

آهسته‌تر باید قدم زد

● شاعر: ناصر کشاورز
● تصویرگر: هدا حدادی

تو آدمی حسّاس هستی
می‌رنجی از هر چیز کوچک
احساس می‌پیچد همیشه
دور دلت مانند پیچک

یک اخم ساده می‌تواند
گیجت کند تا چند ساعت
روزی که بی‌مهری بینی
آن شب نداری خوابِ راحت

چشمت پر از اشک است وقتی
می‌پژمرد یک شاخه‌ی گل
اما نه این که لوس باشی
یا زودرنج و بی‌تحمل

هر اتفاق ساده‌ای زود
حک می‌شود روی دل تو
آهسته‌تر باید قدم زد
در ماسه‌های ساحل تو

از دید مردم گاه شاید
یک آدم دیوانه باشی
این بهتر است از این که با آب
گل، آسمان، بیگانه باشی.

با از نژاد شاپرک‌ها،
یا بوته‌های یاس هستی
اما به خود باید ببالی
از این که با احساس هستی